

# 28 مرداد

## کودتا در يك کشور نبود گامی تهاجمی در جهان بود

م. معصوم زاده

در حول و حوش سالگرد کودتای 28 مرداد مطالب فراوانی درباره زمینه های انجام این کودتا و پیامدهای تاریخی آن اینجا و آنجا به چاپ رسید و رسانه های گروهی ایرانی و بین المللی نیز ساعاتی را به پخش گزارشات و مصاحبه های رادیویی و تلویزیونی اختصاص دادند. از جمله رادیوی آمریکایی " فردا" که از پراگ، جمهوری چک، برنامه های خود را به زبان فارسی پخش می کند گزارشات متعددی را به مناسبت این سالروز تهیه و پخش کرد. از جمله این گزارشات ویژه مصاحبه ای بود با مارک گازیروسکی، مورخ و استاد علوم سیاسی در آمریکا که پیش از این با کتاب او به نام "محمد مصدق و کودتای 28 مرداد 32" آشنا بودیم. محتوای مصاحبه درباره سند تازه ای است که اخیراً مرکز آرشیو امنیت ملی آمریکا منتشر کرده است. این سند متن یادداشتی است در 9 صفحه که به تاریخ بیستم مارس 1953 (31 اسفند 1331 اول فروردین 1332) که والتر اسمیت معاون وزارت خارجه وقت آمریکا آن را نوشته و حاکی از "کوشش آمریکا برای پیشگیری از افزایش نفوذ شوروی و کاربرد تمهیداتی برای مقابله با خطر اشغال نظامی ایران توسط شوروی و یا تصاحب قدرت توسط حزب توده با حمایت ارتش سرخ است. والتر اسمیت این یادداشت محرمانه را خطاب به جیمز لی دبیر اجرایی شورای امنیت ملی آمریکا نوشته و در آن نتیجه تلاش های قبلی خود را در چارچوب سیاست خارجی و اشننگتن در قبال وضعیت آن زمان ایران تشریح کرده است. در سند یاد شده از جمله آمده است که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در آن زمان با رهبران ایل قشقایی در جنوب ایران به توافق رسیده بود که برای مقابله با خطر احتمالی حزب توده و شوروی يك پناهگاه امن مخفی به وجود آورند. پایگاهی که از درون آن ماموران اطلاعاتی بتوانند همراه با چریک های برخوردار از حمایت مالی آمریکا عملیات خود را سازمان دهند. در بند سوم همین سند توصیه شده است در صورت رو به وخامت گذاشتن وضعیت اقتصادی ایران در دوران زمامداری دکتر مصدق، به نفع آمریکا است که برای پیشبرد منافع خود و مقابله با نفوذ کمونیسم، آنچه را والتر اسمیت در این سند دولت جبهه ملی نامیده با اهدای يك كمك 45 میلیون دلاری یاری رساند." (به نقل از سایت اینترنتی رادیو فردا 19 اوت 2004)

بهانه اصلی تهیه این گزارش راستگردانی محتوای گزارشی است که بخش فارسی رادیوی فرانسه درباره این سند پخش کرده و محتوای این یادداشت را بخشی از تدارکات کودتای 28 مرداد قلمداد کرده است. مارک گازیروسکی در این مصاحبه چنین اظهار نظر می کند که در یادداشت فوق الذكر قرینه ای برای این داوری رادیو فرانسه وجود ندارد و آن را مربوط به جنگ سرد و احتمال به قدرت رسیدن حزب توده و اشغال ایران توسط اتحاد شوروی می داند.

در ادامه این مصاحبه کوشش می شود چنین وانمود گردد که آمریکا تا پایان امیدوار بوده است که مصدق راه حلی برای بحران نفت و اختلاف نظرها با بریتانیا

بیباید و تنها زمانی تن به تدارك کودتا داد که از تحقق این امکان قطع امید کرد. به نظر او عملیات کودتایی و این طرح در کنار هم در حال اجرا بودند و به موازات هم پیش می رفتند. مارک گازیورسکی می گوید همکاری آمریکایی ها با قشقایی ها به دوران پایان جنگ جهانی دوم برمی گردد و همان زمان سازمان های اطلاعاتی آمریکا همین برنامه ها را دنبال می کردند و پیش از آنکه این سند نوشته شود مفاد آن مورد اجرا گذاشته شده و تحقق یافته بود.

در ارتباط با سند یاد شده و گفته های آقای گازیورسکی در رادیو "فردا" باید چند نکته را یاد آوری کرد :

آقای گازیورسکی حق دارد این تدارکات را منفک از تدارکات کودتایی 28 مرداد (طرح آژاکس) قلمداد کند. واقعا هم چنین بود. این طرح که مختص ایران نبود سالها پیش از کودتا ریخته شد و پس از آن نیز ادامه یافت. اما باید تذکر داد که نامربوط به آن هم نبود. انجام کودتا علیه حکومت ملی در ایران باید در متن جنگ سرد مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. دامن زدن به ترس قدرت گرفتن حزب توده توسط عمال آمریکا در روزهایی که به کودتا انجامید را باید در متن چنین استراتژی بلند مدتی قرار داد. هر دو طرح حلقه هایی از استراتژی جلوگیری از گسترش نفوذ اتحاد شوروی و نیروهای چپ در جهان بود.

حتی در دوران حکومت ملی در آذربایجان، با سوء استفاده از احساسات قوم گرایانه، انگلیسی ها در جنوب عشایر را تحریک می کردند و آمریکایی ها هم در حال برقراری ارتباط با قشقایی ها بودند.

### این استراتژی کجا شکل گرفت؟

همه چیز از ایتالیا آغاز شد. در روز 17 اکتبر 1990 ماه ها پس از فروریزی دیوار برلن و در بحبوحه فرو پاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق سوسیالیستی، در ایتالیا از یک آپارتمان اسنادی پیدا شد که حاکی از وجود یک سازمان مخفی بنام "عملیات گلا دیو" (گلا دیو یعنی شمشیر کوتاه) بود.

هنوز جنگ جهانی دوم پایان نیافته بود که آمریکایی ها و انگلیسی ها سناریوهای احتمالی **جنگ جهانی سوم** را بررسی می کردند و به فکر تدارك آن بودند. در سال 1947 این تدارکات شکل عملی بخود گرفت و تشکیلات ویژه ای برای آن ایجاد شد. آمریکایی ها و انگلیسی ها اتحاد شوروی را رقیب بالقوه خود می دانستند و احزاب کمونیست اروپا را به مثابه نیروهای حامی اتحاد شوروی می پنداشتند و چنین وانمود می کردند که این دست اتحاد شوروی است که از آستین این احزاب بیرون آمده و به دنبال کسب قدرت در اروپا و تمام جهان است. اشاعه ترس و وحشت از قدرت گرفتن کمونیست ها در اروپا تازگی نداشت. وینستون چرچیل که بر انجام کودتا در ایران علیه مصدق برای استقرار مجدد حاکمیت بریتانیا بر نفت ایران پا می فشرد در سال 1917 کمونیست های لنینی را به **کودکانی** تشبیه کرده بود که باید آن ها را **در گهواره خفه کرد**. آمریکایی ها برای رسیدن به این مقصود به دنبال ایجاد گروه های چریکی مجربی بودند که بتوانند پشت جبهه دشمن دست به عملیات خرابکاری بزنند. روزنامه انگلیسی گاردین در دسامبر 1990 نوشت که انگلیسی ها در سال 1940 گروه های مشابهی را در فرانسه و هلند سازمان داده بودند. آن ها دنبال افرادی بودند که هم دارای تعلیمات نظامی بوده و هم مواضع شدیداً ضد کمونیستی داشته باشند. بی علت نبود که در همان زمانی که در اروپای پس از جنگ جهانی به دنبال دستگیری عمال نازی ها و جانین فاشیست بودند، سرویس های مخفی آمریکایی

و انگلیسی افراد دست چین شده خودشان را فراری می دادند. افرادی که بعدها از سرویس های جاسوسی غرب سر در آوردند. مسئول این عملیات کسی نبود جز **آلن دالس** اولین رئیس سازمان سیا. از اولین وظایف این گروه ها که تحت سرپرستی عمال جنایتکار نازی عمل می کردند، مقابله با نهضت رهایی بخش در یونان بود که داستان خود را دارد. ترور "**آلدو مورو**" نخست وزیر ایتالیا که آماده بود حتی در دوران جنگ سرد به ائتلاف با کمونیست ها دست زند توسط **گروه های تروریستی چپ گرا** صورت گرفت، اما چنانکه لویجی اسکالفارو رئیس جمهور ایتالیا در 9 ماه مه به مناسبت بیستمین سالگرد این واقعه در پارلمان ایتالیا گفت، سالهاست که عاملان قتل دستگیر شده و محکوم شده اند، اما **آمران** آن هنوز پشت پرده باقی مانده اند. شکی در آن نبود که آمران این قتل، عالی جنابان خاکستری، همان محافظی بودند که از مشارکت کمونیست ها در دولت واهمه داشتند. ارتباط تنگ همین عالی جنابان با گروه های تروریستی سیا ساخته "**گلا دیو**" در پی تحقیقات درباره این قتل، که دامنه آن فراتر از يك ترور سیاسی گسترش یافت افشاء شد.

شگفتی نیست که سیا در ایران نیز دست به ایجاد چنین گروه هایی زده بود. اکنون درباره قشقای ها چنین اسنادی یافت می شود و منتشر می گردد. گروه های دیگر هنوز پنهان مانده اند. متعجب نباید شد که حتی پس از افشای این گروه و پایان جنگ سرد، امریکا و ناتو (گروه تروریستی گلا دیو بعضا به نام گروه تروریستی ناتو ملقب شده بود) به حفظ این گروه ها ادامه می دهند. نفوذ گسترده این گروه ها در ترکیه و نقش آن ها در مبارزه علیه گروه های چریکی در کردستان واقعیتی اثبات شده است. این محافل با کارتل های قاچاق مواد مخدر و راست گرایان گرگ های خاکستری ارتباط تنگاتنگی داشته و با آن ها از نزدیک همکاری دارند.

علاوه بر سازماندهی گروه های چریکی و خرابکاری، بلندگوهای تبلیغاتی متعددی نیز برپا شدند که همین اهداف را با وسایل دیگری دنبال می کردند. رادیوی اروپای آزاد و رادیو آزادی که به زبان های خلق های کشورهای اروپا شرقی و اتحاد شوروی برنامه پخش می کردند، از سوی بودجه ویژه کنگره آمریکا تامین مالی می شدند. با فروپاشی کشورهای سوسیالیستی این رادیو مرکز خود را از مونیخ آلمان به پراگ منتقل کردند و برنامه های جدیدی را به زبان های دیگری براه انداختند، از جمله به زبان فارسی. رادیو فردا که جانشین رادیو آزادی است ادامه دهنده این رادیوهای تبلیغاتی دوران جنگ سرد است.

نپرداختن رادیو فردا به جزئیات طرح همکاری با قشقای ها و به سکوت برگزار کردن زمینه های تاریخی آن بی جهت نیست.

( این مقاله با عنوان "**گلا دیوی ایرانی**" در سایت "**Vahik.info**" منتشر شده است.)